

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۱۹۸۰۵۴۴ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۱ • ۲۴ رجب ۱۴۴۴ • ۱۵ فوریه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۴۹۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۰۴
اذان صبح فردا ۵:۲۶ • طلوع آفتاب ۶:۵۱

# شرق

دیالوگ روز

**مهر هفتم - اینکمار برگمان - ۱۹۵۷**

جونز (اریک استراندمارک): عشق یعنی فریب، تقلب، دروغ... هرچی که هست خیلی دردآورده...عشق از هر طاعونی سیاه‌تره... مننها

هیچ وقت از دردش نمی‌میری، فقط از کنارش عبور می‌کنی...

پلاک (اوکه فریدل): نه، عشق برای من ازبین رفتنی نیست...

جونز: عشق مثل به سرماخوردگی واگیرداره که به مرور نیرو و روحیه‌ات رو ازت می‌گیره... تنها احمق‌ها از عشق می‌میرن...اگر همه چیز در این دنیا ناقص باشه، عشق کامل‌ترین ناقص‌های دنیاست.

### گزارش‌خوانی

## روزنامه‌نگاران افغانستانی، مهاجرت با فروش کلیه

هشت صبح افغانستان به‌تازگی گزارشی از وضعیت خبرنگاران افغان پس از سلطه طالبان و مهاجرت‌شان به پاکستان منتشر کرده است. در این گزارش اشاره شده است که با سقوط افغانستان به دست طالبان، وضعیت اطلاع‌رسانی و کار رسانه‌ای نیز با چالش‌های گسترده‌ای مواجه شده است. آزادی رسانه‌ها و دسترسی به اطلاعات آزاد که از مهم‌ترین دستاوردهای دو دهه گذشته به شمار می‌رفت، از میان رفت. دست‌اندرکاران رسانه‌ای با خطرهای جانی و مالی شدید مواجه‌اند. شمار زیادی از خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای به دلیل هراس از طالبان به کشورهای همسایه از جمله پاکستان و ایران رفته‌اند. پس از بازگشت طالبان به قدرت، صدها کارمند رسانه‌ای به دلیل هراس از بازداشت و کشته‌شدن، افغانستان را ترک کرده‌اند. شمار زیادی از خبرنگاران در جریان پروسه تخلیه، کشور را ترک کرده و به کشورهای مقصد رسیده‌اند. دراین‌میان ده‌ها خبرنگار به کشورهای همسایه رفته‌اند تا از آنجا به کشورهای مهاجرپذیر بروند؛ اما اکنون در پاکستان و ایران و برخی از کشورهای همسایه با انواع مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

**فروش کلیه**

درحال حاضر ده‌ها خبرنگار در پاکستان در وضعیت بد اقتصادی و آینده نامعلوم به سر می‌برند. این وضعیت باعث شده که شماری از اهالی رسانه به فروش اعضای بدن‌شان اقدام کنند. در تازه‌ترین مورد سمیر جهش، خبرنگار، به دلیل مشکلات اقتصادی کرده‌اش (کلیه‌اش) را به فروش گذاشته است.

او می‌گوید که بیش از ۱۶ ماه در پاکستان در وضعیت بد اقتصادی و آینده نامعلوم قرار دارد. او وضعیت اقتصادی خود را در یک پست فیس‌بوکی شرح داده که به‌شدت تأثیربرانگیز است. او نوشته است: «نان خوردن در خانه نداریم. تجدیدشده هستم در کشوری که بدتر از افغانستان است. دیگر چاره نمانده، کرده خود را می‌خواهم بفروشم، هرکه خریدار است.» او شماره تلفن و عکس خود را نیز با نوشتن این پیام به اشتراک گذاشته است.

یکی دیگر از اهالی رسانه که مدتی پیش کلیه‌اش را به فروش گذاشته بود، «یونس قاری‌زاده» نام دارد. او معلولیت نیز دارد و می‌گوید: «از وضعیت چه برای‌تان بیان کنم. من حالتی قرار گرفته‌ام که حاضرم کرده خود را به فروش برسانم. اگر کسی خریدار است، من در خدمتم.» او می‌گوید که پیش از سقوط افغانستان به دست طالبان در «رادیو حقیقت و تلویزیون سیمای صلح» در ولایت سمنگان کار و از این طریق مخارج زندگی‌اش را تامین می‌کرد. او بیش از یک سال می‌شود در پاکستان با مشکلات اقتصادی و آینده نامعلوم دست‌وپنجه نرم می‌کند و راهی به جز فروش عضوی از بدنش باقی نمانده است. رنج و مشکلات خبرنگاران تبعیدی، درد مشترک است که در کشورهای همسایه به‌ویژه در پاکستان در وضعیت ناگوار و آینده نامعلومی روز می‌گذرانند. این خبرنگاران تأکید می‌کنند نه راه برگشت دارند و نه امیدی برای فردای بهتر.

**محدودیت‌های جدید**

خبرنگاران آواره افغانستان در حالی از وضعیت بد اقتصادی، روحی و روانی ابراز نگرانی می‌کنند که طالبان به سیاست سرکوب، حذف و وضع محدودیت علیه رسانه‌ها و آزادی بیان ادامه داده‌اند. وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان، یک ماه قبل اعلام کرد در رسانه‌هایی که از بیرون کشور ناقض رژیم طالبان را همگانی می‌سازند و به‌عنوان رسانه‌های آزاد فعالیت می‌کنند، غیابی محاکمه می‌شوند.

عبدالحق حماد، رئیس نظارت بر نشریات رسانه‌ها در وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان، گفته است محاکمه رسانه‌هایی که از بیرون فعالیت دارند و برای «تخریب نظام» کار می‌کنند، به‌زودی فیصله خود را ابلاغ خواهد کرد. حماد همچنان گفته است که درحال حاضر ۵۵ تلویزیون و ۱۶۴ رادیو در سراسر کشور فعالیت دارند. او درباره سایت‌های خبری و نشریات چاپی آثار تازه‌ای ارائه ندهاده است. طالبان در حالی به سیاست وضع محدودیت و سانسور رسانه‌ها مبادرت ورزیده‌اند که محدودیت‌های این گروه بر رسانه‌ها روبه‌رور در حال گسترش است. پیش‌ازاین منابع به روزنامه هشت صبح گفته بودند طالبان روی طرحی کار می‌کنند که در اساس آن صدا و تصویر هیچ زنی از طریق رسانه‌ها نشر نشود. همچنان این گروه در ماه آذر در ولایت نیمروز به رسانه‌ها دستور داده است که بدون تأیید آنان برنامه‌های خود را نشر نکنند. همین‌گونه در یک رویداد جداگانه طالبان به رسانه‌ها و خبرنگاران محلی در غزنی دستور داده‌اند که تظاهرات و اعتراضات را پوشش ندهند. ریاست اطلاعات و فرهنگ طالبان در این ولایت، به رسانه‌های محلی و خبرنگاران غزنی هشدار داده است.

با این حال، ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان و معین پیشین نشریاتی وزارت اطلاعات و فرهنگ این گروه، در نشست با مسئولان رسانه‌ها و نهادهای حامی خبرنگاران ادعا کرده بود که قانون رسانه‌های همگانی نظام جمهوریت قابل اجراءست؛ اما خلاف ادعای طالبان، آنها به بازداشت خبرنگاران، سانسور و اعمال محدودیت بر رسانه‌ها ادامه داده‌اند.

**۶ هزار خبرنگاری‌کار و ۲۳۱ رسانه تعطیل**

پیش از این مرکز خبرنگاران، از ثبت بیش از ۲۵۰ مورد نقض آزادی رسانه‌ها در افغانستان در سال ۲۰۲۲ خبر داده بود. به گفته این نهاد، عاملان نقض آزادی رسانه‌ها به استثنای چند مورد معدود، طالبان بوده‌اند.

افزون بر این موارد، انجمن زنان در رادیو و تلویزیون با همکاری انترنیزو، نتیجه یک نظرسنجی را منتشر کرده است که بر بنیاد آن از زمان سلطه طالبان تا ماه آبان سال جاری ۲۳۱ رسانه تعطیل و شش هزار و ۴۰۰ خبرنگاری‌ب‌کار شده‌اند. پیش‌ازاین اتحادیه جهانی آزادی رسانه‌ها، افغانستان را از عضویت حذف کرده است. این نهاد گفته است که وضعیت آزادی رسانه‌ها در افغانستان مطابق تعهدات جهانی نیست.

پس از برگشت طالبان به قدرت، تمام نهادهای حامی رسانه‌ها از وضعیت اطلاع‌رسانی و محدودیت علیه رسانه‌ها ابراز نگرانی کرده‌اند. سازمان گزارشگران بدون مرز چند ماه قبل با نشر گزارشی گفت که افغانستان قبل از ۲۴ مرداد ۱۴۰۰، ۵۴۷ رسانه داشت؛ اما یک سال بعد از آن ۲۱۹ رسانه فعالیت خود را متوقف و از ۱۱هزارو ۸۵۷ کارمند رسانه‌ای، ۷۶.۱۹ درصد آنان شغل خود را از دست داده‌اند.

● **دیالوگ روز**

● **دیالوگ روز**



● با وجود صنعتی‌شدن اکثر مشاغل، در کوچه مازاری‌های یزد هنوز کارگاه‌هایی فعال وجود دارد که قدمت بعضی از آنها به بیش از ۷۰۰ سال می‌رسد که مشاغل سنتی مانند حناسابی را هنوز به شیوه سنتی انجام می‌دهند. عکس: بهارک روشن بخش / ایسنا

# که آزادگی جوهر آدمی است\*

## یادی از استاد سیدمحمد هاشمی



**ابراهیم ایوبی**

**وکیل دادگستری**

سرانجام پس از مدتی بیماری بیست‌ویکم بهمن‌ماه دکتر سیدمحمد هاشمی استاد برجسته حقوق عمومی ایران پر کشید و جامعه حقوقی کشور را در اندوه فروبرد. ایشان در دانشکده‌های حقوق به‌عنوان بنیان‌گذار و پدر رشته حقوق عمومی شهرت دارند که دلیل آن پیگیری ایجاد حقوق عمومی به‌عنوان رشته‌ای مستقل در دانشگاه‌های ایران به‌ویژه در دوران پس از انقلاب اسلامی است.

استاد متولد ۱۳۱۹ در شهر قم و خانواده‌ای روحانی بود که ابتدا با طی دوره دانش‌سرای مقدماتی از سال ۱۳۳۹ به معلمی اشتغال داشت که همواره به این شغل مباحثات می‌کرد. در ۲۴سالگی وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران و پس از دانش‌آموختگی و کسب بورسیه دولتی فرانسه برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری وارد دانشگاه پاریس شد. رساله دکتری خود را با عنوان «روابط جمعی کار در ایران و فرانسه» به راهنمایی موریس دوورژه (استاد نامدار حقوق عمومی که کتاب‌های متعددی از او در ایران ترجمه و تدریس می‌شود) گذراند. با وجود فراهم‌بودن امکان فعالیت آموزشی و پژوهشی، به این دلیل که شرط ادامه همکاری کسب تابعیت بیگانه بود و روحیه میهن‌پرستی استاد، پیشنهاد همکاری دولت فرانسه را رد و به ایران بازگشت. «دست هیچ‌کس را نبوس، چون سلمان فارسی وقتی از ایران به مدینه رفت خواست دست حضرت محمد(ص) را ببوسد، آن حضرت مانع این کار شد.»

این جمله بخشی از نصاب چهارگانه پدر استاد سیدمحمد هاشمی به فرزند خود است که در ابتدای زندگی‌نامه کوتاه در یادنامه خود با عنوان

### شبکه‌خوانی

## مسمومیت سریالی دختران دانش آموز

از ۹ آذر که برای اولین بار در هنرستانی در قم ۱۸ دختر مدرسه مسموم شدند تا دیروز که ۲۰ دختر در دبیرستانی در منطقه ۱۱ تهران مسموم شدند، بیش از ۷۰ روز می‌گذرد. سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرده است ۳۰ پدر و مادر بابت این اتفاق شکایت کرده‌اند و شکایتشان توسط نهادهای مختلف در حال بررسی است. در هفته پیش مدارس قم دو روز تعطیل بودند تا دلیل این اتفاق شناسایی شود و اکنون پس از بازگشایی مدارس، دوباره این اتفاق‌ها آغاز شده است.

**استنشاق حشره‌کش؟**

دو روز پیش روابط‌عمومی وزارت آموزش و پرورش از مملعان درخواست کرده که تنفس دانش‌آموزان را در کیسه فریزر ذخیره کنند و برای آزمایش بفرستند. این تدبیری است که در قم در نظر گرفته‌اند تا شاید بتوانند دلیل این مسئله را که برای دانش‌آموزان رخ می‌دهد، شناسایی کنند. دیروز اما

خبری عجیب‌تر منتشر و اعلام شد استنشاق اسپری حشره‌کش باعث مسمومیت ۳۰ دانش‌آموز تهرانی شده است. در این گزارش آمده است: «ساعت ۱۰ صبح ۲۵ بهمن، در پی کنجکاوی و دانش‌آموز یکی از مدارس منطقه ۱۱ تهران، اسپری حشره‌کش در فضای کلاس منتشر و حدود ۳۰ دانش‌آموز دچار مشکل تنفسی شدند. با اقدام سریع عوامل مدرسه، دانش‌آموزان از فضای کلاس خارج شده و تعدادی از آنها که دچار استرس شده بودند توسط اورژانس به بیمارستان منتقل شدند.» هرچند این خبر مطرح شده است، اما واقعا چه تصویری از دانش‌آموزان وجود دارد؟ یعنی دانش‌آموزان حشره‌کش تا به حال ندیده‌اند؟ اصلا اسپری حشره‌کش از کجا آمده است؟ در گزارشی که در شبکه‌های اجتماعی دراین‌باره منتشر شده، آمده است: «تو هوای کلاس می‌یه بویی اومد، کل کلاس تقریبا تا مرز خفگی رفت. همه‌گی اومدیم بیرون. کم‌کم از بقیه کلاس اومدن بیرون کل ساختمان پر شد. بـو انکاری اسپری

» از تنظیم قدرت تا تضمین حق‌ها» نگاشته‌اند. بخش عمده فعالیت‌های استاد امر آموزش و تالیف چند کتاب مرجع در زمینه حقوق عمومی است. مهم‌ترین اثر وی کتاب «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» که در دو جلد به ترتیب به اصول و مبانی کلی نظام و حاکمیت و نهادهای سیاسی می‌پردازد.

انتشار این کتاب در اوایل دهه ۷۰ نخستین (و مهم‌ترین) اثر در حوزه حقوق اساسی ایران بود که برای اولین بار به تبیین، شرح و البته نقد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. از ویژگی‌های کتاب بررسی همه‌جانبه موضوعات، تحلیل تاریخی، نگرش منصفانه، نگاه نقادانه و مهم‌تر از همه بومی‌سازی مفاهیم با پرداختن به زمینه شرعی و پیشینه تاریخی آن است. گفتنی است این اثر جایزه کتاب سال را از آن خود کرد. در سال ۱۳۸۴ کتاب دیگری با نام «حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» از دکتر هاشمی منتشر شد که می‌توان جلد سوم اثر حقوق اساسی ایشان دانست.

در این کتاب علاوه بر زمینه‌های فلسفی و مبانی تاریخی و دینی حقوق بشر، به انعکاس مفاهیم بنیادین حقوق بشر در نظام حقوقی ایران (به‌ویژه فصل سوم قانون اساسی با عنوان «حقوق ملت») پرداخته و کوشش شده به رویکردی هم‌گرایانه میان حقوق داخلی با زمینه‌های دینی و نظام حقوق بشر بین‌الملل پرداخته شود. هرچند رساله دکتری استاد در زمینه حقوق کار بود و در این حوزه هم سال‌ها تدریس داشتند؛ اما به دلیل رعایت احترام دکتر عزت‌الله عراقی استاد برجسته این درس، کتاب حقوق کار خود را

تا پس از فوت ایشان منتشر نکردند که دو کتاب حالت رقابت پیدا نکند. فعالیت‌های او به امور آموزش و پژوهش محدود نشد و در بیشتر ایام به کار عملی نیز اهتمام داشتند. وی در خاطرات خود در کتاب «تاریخ شفاهی حقوق ایران» بیان می‌دارد با وجود احراز رتبه اول در آزمون قضاوت سال ۱۳۴۴ با دیدن فضای دادگستری و نصیحت پدر مبنی بر منع تصدی منصب قضا به دلیل حساسیت آن، از کارآموزی قضاوت انصراف می‌دهد و با داشتن پروانه وکالت در تمام دوران حیات خود تنها در ۱۱ پرونده وکالت می‌کند.

از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸ و دوران ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان مشاور حقوقی مستقل همکاری داشت که مهم‌ترین اقدام تهیه پیش‌نویس قانون «تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست‌جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۶۵ است که با هدف کاهش اختلاف در قلمرو اختیارات رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر طراحی شده بود. استاد هاشمی در دوران ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی نیز با نهاد ریاست‌جمهوری در قامت مشاور همکاری داشت که مهم‌ترین اقدامات

کمک به هیئت‌گیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی است. ایشان کمی پیش از دوران بازنشستگی به پاس یک عمر فعالیت علمی، نشان دانش دریافت کردند. با وجود مدارج بالای علمی و عملی، حسن خلق، روحیه مدارا و میانه‌روی و پایندی به استقلال فردی و علمی مهم‌ترین خصیصه استاد هاشمی است. یادش مانا!

❖ **عنوان یادداشت مصرعی از یکی از سروده‌های استاد در ستایش حقوق بشر است.**



### نقد هفته

## در دیزی و حیای گربه

وقتی با آنها به‌عنوان دوست قدیمی صحبت می‌کنیم و می‌گوییم فلانی تو که استعدادش را داری، تحصیلاتش را هم داری، پولش را هم داری، چرا در بخش درمان ورود نمی‌کنی تا در کنار بخش زیبایی، برای بیماران واقعی هم سودمند باشی، با نگاهی عاقل اندر سقیه می‌گوید «مگر مغز فلان حیوان را خوردهام!» و وقتی تأکید می‌کنیم که «عزیز شما که نیاز مالی نداری»، صراحتا پاسخ می‌دهند «مگه نیازها؟ پول مفت رو باید برداشت!».

به عبارت دیگر وقتی پای صحبت بعضی موافقان طرح افزایش ظرفیت پزشکی می‌نشینیم صحبت مهم‌شان این است که دکترهای نخیه قبل چه گلی به سر درمان این کشور زدند که الان می‌ترسیم دکترهای جدید نخیه نباشند. تازه شاید این کمتر نخیه‌ها را با زور طرح و تعهد بتوان چند سالی دستشان را جایی بند کرد، نازشان را هم نخريد. اینکه چه کسی و چگونه در عرض چند سال روحیه درمان و پزشکی بقراطی را با روحیه زیبایی و پزشکی بلاگری جایگزین کرد بماند، ولی جامعه پزشکی هم گاهی شوربا را از شدت شوری از دهان می‌اندازد. در دیزی عمل‌های زیبایی باز است اما حیای بیبپایانه ایجاد می‌کند حداقل هفته‌ای یک ساعت هم که شده حرمت رویوش سفیدی که تمان کردیم و با آن عکس گرفتیم، نگه داریم. به جامعه جوان پزشکی ظلم شد و این موضوع کاملا درست است، اما ظلمی که بعضی پزشکان به بیماران واقعی می‌کنند، چیزی نیست جز درآمدن از چاله تعیض و افتادن در چاه فساد.

و بی‌نوا‌تر از همه، بیمارانی هستند که با درد کیسه صفرا و سنگ کلیه و آپاندیسیت از خانه خارج می‌شوند و با ابروی بالارفته و پوست جوان‌شده برمی‌گردند و از خود می‌پریند «چرا دردم به درمانم نمی‌خورد؟!».



**امیر عربی**

**چشم‌پزشک**

بارها در همین ستون و سایر ستون‌ها و برنامه‌ها و رسانه‌ها درباره کاهش احتمالی کیفیت آموزش پزشکی در سال‌های آتی ابراز نگرانی شده است. دلایلش هم بارها به وضوح بیان شده است. افزایش ظرفیت پذیرش تحت عناوین جدید سهمیه از یک طرف، افزایش تعداد دانشگاه‌های پذیرنده دانشجو بدون زیرساخت آموزشی از طرف دیگر و ورود رفوزه‌های کنکور به دانشگاه‌های پزشکی با میانگین پذیرش موقت در کشورهای شرق اروپا از سویی دیگر، همگی دلایلی مبرهن در کاهش احتمالی کیفیت آموزش پزشکی در سال‌ها و دهه‌های آتی است، یعنی احتمالا جمله «من دکترم!» که زمانی چون ناوک برنده‌ای قلب مستمعان را شرحه شرحه می‌کرد، دیر یا زود با جمله «عه تو هم دکتر شدی؟!» پاسخ داده می‌شود. حالا که جوالدوزهایمان پیایی به سمت تصمیم‌گیران روانه شده که دارند کیفیت آموزش پزشکی را کم می‌کنند (البته جوال آنها از سنگ و فولاد هم نفوذناپذیرتر است)، بد نیست چند سوزنی هم به قشر پزشکان بنیم.

وقتی به اطرافمان نگاه می‌کنیم، بخش درخور توجهی از همان نخیه‌های قدیمی‌گی که با رتبه‌های درخشان در دانشگاه‌های پایتخت تحصیل کرده بودند و روی سرمان حلواحلویاشان کردیم، الان به شکل متمرکز در حوالی جردن و یارکوی و تجریش تا در نهایت یوسف‌آباد درگیر بالابردن ابرو و پرکردن خط خنده و برداشتن پوست اضافه پلک هستند، طرف پاشنایشان هم شده بلاگرها و کارچاق‌کن‌ها برای جمع‌کردن مشتری از کف بازار.